

(آمادگی برقراری مجدد همکاری های نظامی - فنی فدراسیون روسیه با جمهوری اسلامی ایران)

پروتکل سرّی گور - چرنومردین در ماه می ۱۹۹۵ امضا شد. کلینتون و یلتسین قبلاً در مورد امضای آن به توافق رسیده بودند.

مطابق با این مدرک، روسیه متعهد شد با ایران قراردادهای جدید تسلیحاتی امضا نکند و اجرای قراردادهای سابقاً امضا شده را تا پایان سال ۱۹۹۹ خاتمه دهد. در مقابل، دولت آمریکا در واقع قول داده بود در مورد پروژه های جاری روسیه و ایران سر و صدا نکند و مسئله مجازات روسیه را (مطابق با قانون ۱۹۹۲) درخواست ننماید. مطابق با قانون سال ۱۹۹۲، دولت ایالات متحده موظف است کشورهایی که به دول (به عقیده آمریکا) حامی تروریسم (ایران و عراق مدنظر بودند) اسلحه می فروشند را مجازات کند. سپس، متن موافقتنامه سرّی دیگری منتشر شد و از نامه چرنومردین به «دوست عزیز گور» (این بار در مورد همکاری هسته ای مسکو و تهران) مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۵ نقل قول کرد. چرنومردین دوباره به طرف آمریکایی اطمینان می دهد که قرارداد روسیه و ایران مورخ ۸ ژانویه ۱۹۹۵ در مورد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر باعث لطمه خوردن به رژیم عدم اشاعه اسلحه اتمی نمی شود. در نامه گفته شده: هیچ جهت جدیدی در همکاری روسیه و ایران در زمینه هسته ای بروز نکرده و این همکاری به طور کامل در چارچوب موافقتنامه های بین دولتی امضا شده در سال ۱۹۹۲ گنجانده می شود.

در چارچوب این موافقتنامه قرارداد ساخت نیروگاه برق اتمی باراکتورهای آب سبک (که برای تولید پلوتونیوم نظامی قابل استفاده نیست) منعقد گشته است. در پیوست این مدرک چهار متمم قرار دارند که مسائل پرداخت مالی، تحویل گرفتن محوطه عملیات ساختمانی، تعیین اوضاع تجهیزات موجود و همچنین صادرات سوخت هسته‌ای برای نیروگاه در سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۱ را تنظیم می‌نمایند. تمام برنامه‌های مدنظر زیر کنترل شدید بین‌المللی انجام خواهند شد. علاوه بر این ایران آماده است جهات دیگر همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را تعیین نماید. گفته شده بود که «برای تأمین امنیت نیروگاه، کارشناسان ایرانی با پارامترهای فنی و تجربه بهره‌برداری از نیروگاههای آب سبک آشنا خواهند شد. تا اتمام ساختمان نیروگاه برق همکاری با طرف ایرانی به این محدود می‌شود». همزمان نخست وزیر روسیه خواهش کرده بود که گور به کنگره به‌طور مفصل از جزئیات مشورت‌های محرمانه درباره ایران اطلاع ندهد.

توصیه‌های بد به «گور عزیز»

آیا چرنومردین اطلاع داشت که با این لفظ ساده از دوستش درخواست می‌کند که یکی از سنگین‌ترین جنایات را در آمریکا مرتکب شود؟ (نیکسون به خاطر همین امر در سال ۱۹۷۴ از سمتش محروم شد؟) اگر گور واقعاً به حرف او گوش می‌داد، ممکن بود او را برکنار، محاکمه و حتی زندانی کنند. در روسیه طرز رفتار با دوما تفاوت دارد. البته توصیه بدان معنی نیست که گور مطابق با آن عمل کرده است. ولی واقعیت این است که این لفظ یکی از ناگوارترین اتهامات جمهوری خواهان علیه گور بود. اما زمانی گفته می‌شد چرنومردین و گور همراه با هم وارث کلینتون و یلتسین خواهند شد.

دفاع برزوفسکی

بوریس برزوفسکی هم وارد معرکه شده و نامه‌ای به «رسانه‌های مرکزی آمریکایی» یعنی

«واشنگتن پست» نوشت و در آن در مورد حملات «گروهی از اعضای جمهوری خواه کنگره» به سیاست کلینتون در حمایت از روسیه اظهار نظر کرد. برزوفسکی تکذیب خود را با توضیحات وزین تاریخی همراه کرده است. جریان در سال ۱۹۱۷ شروع شد وقتی بلشویک‌ها «مالکیت خصوصی» را لغو و تمام ثروتهای غصب‌شده را به دو نهاد (حزب کمونیست و کا.گ.ب) محول نمودند که پایه‌های اصلی سیستم حکومت شوروی بودند. به عقیده برزوفسکی، یلتسین با دادن ۷۵ درصد دارایی به بخش خصوصی، ضدانقلابی عمل کرد. یلتسین و چوبایس در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۶ تصمیم گرفتند خصوصی‌سازی را تسریع کنند. علت امر تقویت اعتبار زیوگانوف بود و به این ترتیب سعی شد از احیای اوضاع سابق توسط کمونیست‌ها جلوگیری شود. در این شرایط نگران‌کننده بود که برزوفسکی تصمیم گرفت در خصوصی‌سازی «سیب نفت» شرکت جوید. «برای این منظور ۱۰۰ میلیون دلار پول لازم بود ولی من فقط ۶۰ میلیون داشتم». خارجیان از کمک مالی به عضو الیگارشی خودداری کردند و اما سوروس انسان دوست، انسان دوستانه به وی توصیه کرد «خر نباشد» و همراه با خانواده‌اش روسیه را ترک گوید. او ماند و «در روسیه پول پیدا کرد و در مناقصه برنده شد». بعد به یلتسین کمک کرد «با استفاده از شبکه‌های تلویزیونی خصوصی بر کمونیست‌ها پیروز شود». یک هفته بعد قیمت «سیب نفت» به یک میلیارد دلار بالغ شد. یعنی این ریسک به جا بود.

معامله گور-چرنومردین: خسارت اقتصادی روسیه ۴ میلیارد دلار بود

در بحبوحه افتضاحی که در واشنگتن در رابطه با توافقات سال ۱۹۹۵ چرنومردین نخست‌وزیر وقت روسیه و آلبرت گور معاون رئیس جمهور آمریکا درباره ایران بروز کرده است، از خساراتی که در نتیجه این معامله به مسکو وارد شد چیزی گفته نمی‌شود. اما این خسارات بسیار بزرگ هستند. کارشناسان بخش نقدی این خسارت را قریب به ۴ میلیارد دلار برآورد می‌کنند. دو میلیارد دلار خسارت وارده از به هم خوردن قراردادهای قبلاً امضا شده با تهران و دو میلیارد

خسارت حاصله از منعقدنشدن قراردادهایی بود که هنگام توافق گور و چرنومردین در دست بررسی بودند. ولی نباید خسارات وارده به مسکو در نتیجه تعهدات آن برای عدم همکاری با ایران در جهات معین را نیز از قلم انداخت.

ما از برخی جوانب معامله پنج سال قبل در چهارچوب کمیسیون گور - چرنومردین اطلاع یافتیم که امکان دارد سازمان سیا و کنگره عمداً آن را پنهان کرده‌اند. بر پایه درز اطلاعاتی از این دو نهاد بود که جامعه از محتوای مذاکرات پشت پرده رؤسای روسی و آمریکایی کمیسیون دوجانبه همکاری اقتصادی و فن آوری اطلاع یافت. تحلیل انجام شده امکان می‌دهد نه تنها مضر بودن تعهدات روسیه در یادداشت تفاهم ۳۰ ژوئن ۱۹۹۵ اثبات شود، بلکه امکان تجدیدنظر این توافقات که از بندهای ۵ و ۷ خود آن مشتق می‌شوند، مطرح گردد.

چنانچه معلوم است، مطابق با توافقات روسیه و آمریکا که در یادداشت تفاهم گور - چرنومردین درج گشته، روسیه متعهد شد تمام تعهدات خود در برابر ایران در مورد صادرات جنگ افزار و تجهیزات نظامی و واگذاری خدمات نظامی را تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۹ به پایان برساند و از آن به بعد با ایران قرارداد جدیدی منعقد نکند. پایه تعهدات روسیه در برابر ایران چهار موافقتنامه بین دولتی بودند که در سالهای ۱۹۸۹، ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ امضا شدند. مطابق با این مدارک مسکو متعهد شده بود به تهران جنگ افزارهایی چون هواپیماهای میگ - ۲۹، سوخوی ۲۴ ام.ک، زیردریایی کلاس ۱۸۷۷.ک.ام (از جمله پایگاه ساحلی برای آنها)، مجتمع ضد هوایی «اس - ۲۰۰.و.» صادر کند و همچنین تولید تانکهای تی - ۷۲ و زره پوش های ب.ام. پ ۱-۲ را با مجوز روسی در ایران سازمان دهد.

جای یادآوری دارد که مطابق با قوانین آمریکا (قانون عدم اشاعه تسلیحات در مورد ایران و عراق و اصلاحیه های سال ۱۹۹۶ در قانون کمک به کشورهای خارجی) این تحریم ها قبلاً برای مجازات روسیه از طرف آمریکا به کار گرفته شدند. یادآور می‌شود منتقدان آلبرت گور هنگام مطرح نمودن اتهام مساعدت به صادرات تسلیحات به کشوری که در فهرست حامیان تروریسم

بین‌المللی وزارت امور خارجه آمریکا جا داشته، به نقض این قوانین اشاره می‌کنند. چیزی که برای روسیه اهمیت دارد ارزیابی دیپلمات‌های آمریکایی از فعالیت تروریستی این یا آن کشور نیست. در سال ۱۹۹۵ مشکلی بروز کرد که مسکو و واشنگتن باید حل می‌کردند. صادرات جنگ‌افزارهای روسی به یکی از موانع اصلی در مناسبات کلاً حسنه روسیه و آمریکا تبدیل شد. به همین دلیل توافقی بروز کرد که در آن به ظاهر هر دو طرف به امتیازاتی تن دادند. از لحاظ رسمی انعقاد قرارداد گور - چرنومردین با منافع هر دو کشور مغایرت دارد. اگر خسارات وارده به آمریکا جنبه حقوقی داشتند، در مقابل به روسیه خسارات اقتصادی وارد شد.

مسکو نتوانست تا مهلت تعیین‌شده در یادداشت تفاهم (۳۱ دسامبر ۱۹۹۹) اجرای توافقات منعقدشده با ایران را به پایان برساند و اکنون مسئله اتمام آنها پا در هوا مانده است. علاوه بر این روسیه مجبور شد از ارسال لوازم یدکی جنگ‌افزارهای قبلاً فروخته‌شده به ایران خودداری کند. اما مطابق با توافقات با این کشور موظف است تا سال ۲۰۱۱ آنها را به ایران صادر کند. در مورد خریدهای احتمالی تهران (تهران به خرید مجتمع‌های اس - ۳۰۰، موشک ضد هوایی سیار «ایگلا»، هلی‌کوپترهای حمل و نقلی نظامی می - ۱۷، جنگنده‌های سوخو - ۲۵، ایستگاه‌های رادار «گاما» و «کاستا» و غیره علاقمند است) باید گفت قیمت تقریبی آنها به دو میلیارد دلار می‌رسد.

در بررسی روند حوادثی که به انعقاد موافقتنامه گور - چرنومردین منجر شدند نیز جالب است تا یادآور شویم که افتضاح در مثلث تهران - مسکو - واشنگتن اندکی زودتر از امضای یادداشت تفاهم گور - چرنومردین آغاز شد. ۱۰ ماه می ۱۹۹۵ یلتسین در جریان دیدار رئیس جمهور آمریکا از مسکو مجبور شد اعتراف کند که قرارداد روسیه و ایران در مورد ساخت نیروگاه برق اتمی بوشهر بخش نظامی نیز دارد. در نتیجه رؤسای جمهور قرار گذاشتند این بخش باطل شود. قیمت سانتریفوژ برابر با ۵۰۰ میلیون دلار یعنی نصف قیمت تمام قرارداد بود. آن وقت کلینتون در واقع توانست پشت یلتسین را به خاک زده و حداقل نصف قرارداد را لغو کند. بنا به

داده‌های ما، بعد از اینکه کلینتون به یلتسین کپی توافقات محرمانه روسیه و ایران در مورد صادرات سانتریفوژ را نشان داد، رئیس جمهور روسیه مجبور شد آن را لغو کند.

امر دیگری نیز جالب است. بلافاصله بعد از اعلامیه یلتسین درباره خودداری روسیه از صادرات سانتریفوژ به ایران، دیپلمات عالی‌رتبه روسی که به خوبی از ماهیت امر اطلاع داشت به خبرنگاران گفت که آمریکایی‌ها نیمه‌راه متوقف نخواهند شد و سعی می‌کنند به نتایج بیشتری برسند. او همچنین افزود که پیش‌نویس این موافقتنامه روسیه و ایران در کمیسیون گور - چرنومردین بررسی خواهد شد. اینطور هم شد. آمریکایی‌ها بعد از زیر پا گذاشتن ناچیز «وجدان» (یعنی قوانین داخلی) توانستند به مناسبات مسکو و تهران در زمینه همکاری نظامی - فنی نیز لطمات محسوسی وارد کنند. بعد از اینکه آنها یلتسین را در ملاقات سران و ادار کردند توبه کند، نیل به دریافت امتیاز از چرنومردین تسهیل شد و آنها به نتایجی رسیدند که از قرار حتی خواب آن را ندیده بودند.

امروز وقتی جزئیات توافقات گور - چرنومردین علنی شدند، حوادث سال ۱۹۹۵ در مناسبات روسیه و آمریکا به عنوان حلقه‌های یک زنجیر واحد نمایان شدند: احتمالاً حمله شدید کلینتون در ملاقات با یلتسین باعث شد مسکو به محدودیت‌های بیشتری در همکاری با ایران تن دهد.

جالب اینکه نه تنها در کنگره بلکه در دوما نیز به این امر واکنش شدیدی نشان داده شد. آلکسی میتروفانوف نماینده دوما از حزب لیبرال دمکرات درخواست نمود سناتور کریستوفر کوسر که به ظاهر اطلاعاتی درباره «روابط فاسد گور با رهبری روسیه در دست دارد» به مسکو دعوت شود. ولی اگر اقدامات گور در واقع باعث تحقق منافع ملی آمریکا شدند (هر چند به ظاهر او قوانین داخلی آمریکا را تاحدی نقض کرد)، ولی اقدامات چرنومردین در مورد ایران از نقطه نظر منافع روسیه سئوالات بسیاری را مطرح می‌سازد.

اصولاً تغییر وضعیت ممکن است. چنانچه گفته شد بند ۵ یادداشت تفاهم راه‌حل را

نشان می‌دهد. مطابق با این بند در صورت تغییر اوضاع سیاسی در ایران طرفین می‌توانند در تعهدات خود تجدیدنظر کنند. در واقع کلینتون رئیس‌جمهور و آلبرایت وزیر امور خارجه آمریکا قبلاً به این تغییرات اذعان کرده‌اند. اعلامیه‌های رهبری آمریکا بعد از پیروزی آقای محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری، برطرف شدن بخشی از مجازات‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران و اجلاس هزاره‌ای سران در نیویورک از این دست بودند. اطلاع حاصل شد دیگر کشورها و از جمله کشورهای اروپای غربی نیز موضع خود نسبت به تهران را مورد تجدیدنظر قرار می‌دهند. در بند هفتم یادداشت تفاهم گور - چرنومردین از امکان تجدیدنظر در تعهدات سخن رفته است. همزمان باید به این اشاره کرد که روسیه نیز نمی‌تواند از عدم اجرای تعهدات و اشنگتن درخصوص یادداشت تفاهم اعتراض کند. ایالات متحده از ارسال غیرمجاز اسلحه به کشورهای خاورمیانه در نزدیکی مرزهای روسیه جلوگیری نکرد، همچنان از دسترسی روسیه به بازار فن‌آوری‌های پیشرفته جلوگیری می‌کند و فعالانه از اصل استاندارد دوگانه در رقابت تجاری استفاده می‌کند که در واقع متوجه بیرون کردن مسکو از بازارهای جهانی اسلحه است.

«ایران گیت» آل‌گور

اینک سناتور سام براونبک اعلام می‌کند: «معاون رئیس‌جمهور بدون اجازه کنگره حق نداشت متعهد شود که ایالات متحده قانون خود را زیرپا می‌گذارد».

نامه سزای ویکتور چرنومردین مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۵ نقل قول کرده که در آن نخست‌وزیر سابق روسیه از «آل عزیز» درخواست می‌کند به هیچ طرف ثالثی و از جمله کنگره آمریکا در مورد ماهیت توافقات فیما بین اطلاع ندهد. اکنون قانونگذاران آمریکایی از عصبانیت خونخوری می‌کنند. سناتور گوردون اسمیت می‌گوید: «ما تابوت اجساد زنان و مردان جوان را دریافت کردیم (وی ۱۷ ملوان آمریکایی را در نظر دارد که در نتیجه عملیات تروریستی در ناو هواپیمابر

آمریکایی در بندر عدن قربانی شدند) و نباید به کسی کمک کنیم که قادر است به ما لطمه بزند و شروران را نباید تشویق کنیم».

کاخ سفید و ستاد انتخاباتی گور با لحن شدید اتهامات را رد کرده و معتقدند حملات نتیجه ملاحظاتی انتخاباتی جمهوری خواهان می‌باشند. بخش مطبوعات کاخ سفید اعلام نمود: «چکیده مدارک مربوطه در جریان امضای قرارداد بین خبرنگاران توزیع شده بود و ما همچنین به موقع به کمیته امور بین‌الملل کنگره اطلاع دادیم. یعنی اگر برخی اعضای کنگره در مورد اطلاع از این مدارک مشکل دارند، پس باید از خودشان گله‌مند باشند». برخی تحلیل‌گران می‌گویند گور با در دسرهای بزرگی مواجه خواهد شد. اریل کوهن کارشناس سیاسی مرکز تحقیقاتی «هریتیج فونڈیشن» به خبرنگار ما گفت: «در صورت معلوم شدن واقعیت پنهان کردن امضای چنین موافقتنامه‌هایی از طرف معاون رئیس جمهور، امکان دارد او از کار برکنار شود یا به اعتبارش لطمه جبران‌ناپذیری وارد گردد».

کرم‌لین نه از معامله گور - چرنومردین، بلکه از ادامه سیاست خارجی یلتسین دست برداشت

مسکو به قدمی بسیار خطرناک ولی موجه متوسل شد: چنانچه اطلاع حاصل شد، مسکو چند روز مانده به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا رسماً به حکومت این کشور اطلاع داد که قصد دارد از اول دسامبر سال ۲۰۰۰ از اجرای تعهدات داده شده در سال ۱۹۹۵ در مورد عدم صادرات تسلیحات متعارف به ایران دست بردارد. آمریکایی‌ها به نوبه خود به مسکو از مجازاتهای احتمالی اطلاع دادند. لکن خسارات این مجازات (اگر ایالات متحده اصلاً به چنین اقدامی متوسل شود) خیلی نازل‌تر از خساراتی هستند که در نتیجه محدودیت‌هایی وارد شدند که روسیه (دقیق‌تر چرنومردین نخست‌وزیر و یلتسین رئیس جمهور وقت) داوطلبانه در ژوئن سال ۱۹۹۵ زیر فشار دولت بیل کلینتون به عهده گرفته بود.

روسیه در نتیجه توافقات گور - چرنومردین امکان دریافت چهار میلیارد دلار راز دست داد (این مبلغ برابر با یک پانزدهم تمام مخارج بودجه در آن دوران یا یک دهم بودجه سالجاری است)، لکن هنوز می‌توان اشتباهات را برطرف کرد.

در نهایت معلوم شد که در جهت رفع اشتباه اقدام شده است. چنانچه اطلاع حاصل شد، ایگور ایوانوف وزیر امور خارجه روسیه سه روز مانده به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به مادلین آلبرایت همتای آمریکایی خود اطلاع داد که روسیه قصد دارد از موافقتنامه مذکور خارج شود. به گفته نماینده رسمی وزارت امور خارجه آمریکا، استدلال روس‌ها افشای محتوای توافقات مخفیانه در جریان مبارزه انتخاباتی بود. ولی در واقع چنانچه از منابع موثق اطلاع حاصل شد، رهبری روسیه این امر را از چند بُعد بررسی کرده بود.

بنا به برخی داده‌ها، موضع سرویس اطلاعات خارجی روسیه در تصمیم نهایی مسکو در مورد امکان از سرگرفته شدن همکاری نظامی فنی با تهران نقش ملموسی را ایفا کرده است. تحلیل‌گران این سرویس توانستند به‌طور مستدل به کرملین نشان دهند که امتیاز آغاز تماس‌های تمام‌عیار نظامی - فنی با ایران خیلی بیشتر از تمام عواقب منفی احتمالی این قدم خواهد بود.

میلیاردهای از دست رفته از کجا آمدند؟ یادآور شویم که تعهدات روسیه در برابر تهران بر چهار موافقتنامه بین دولتین امضاشده در سالهای ۱۹۸۹، ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ مبتنی هستند. مطابق با این اسناد، مسکو متعهد شده بود به تهران هواپیماهای میگ ۲۹، سوخوی ۲۴.ام.ک، زیردریایی پروژه ۱۸۷۷.ک.ام (لزجمله ساخت پایگاه این زیردریایی‌ها) سیستم‌های ضد هوایی اس-۲۰۰ و ا.بفروشد و سازماندهی تولید تانک‌های تی-۷۲ و زره‌پوش‌های ب.ام.پ - ۲ در ایران با مجوز روسیه را ترتیب دهد.

مسکو نتوانست تمام این تعهدات را در تاریخ تعیین شده در یادداشت گور - چرنومردین به پایان برساند. در نتیجه روسیه دو میلیارد دلار از دست داد. علاوه بر این روسیه مجبور است از

تأمین لوازم یدکی تجهیزات صادر شده که موظف است تا سال ۲۰۱۱ انجام دهد، خودداری کند. قیمت تجهیزات جدیدی که ایران به آنها ابراز علاقمندی کرده است (محموله‌های بزرگ سیستم‌های اس - ۳۰۰، پ. ام. او - ۱، سیستم ضد موشکی «ایگلا»، هلی‌کوپترهای می - ۱۷ - او، جنگنده‌های سوخوی ۲۵، رادارهای «گاما»، «کاستا» و امثالهم) نیز به دو میلیارد دلار بالغ می‌شود.

اکنون مسکو یک معامله معین روسی آمریکایی را نقض نمی‌کند بلکه می‌فهماند که قصد دارد در واقع جهت اساسی سیاست خارجی کشور از اواسط سالهای ۹۰ که توسط بوریس یلتسین، ویکتور چرنومردین و آندری کوزیرف تعیین می‌شد را تغییر دهد. خاطر نشان می‌شود که این موافقتنامه قبل از انتخابات آمریکا لغو شد. مسکو منتظر نشد نام طرف پیروز شده در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تعیین شود و این امر نشان می‌دهد تصمیم آن جنبه اصولی دارد و براساس ملاحظات آنی تعیین نمی‌شود.

آمریکایی‌ها قبلاً به روسیه از امکان اعمال مجازات در صورت خروج از توافقات ۳۰ ژوئن ۱۹۹۵ اطلاع داده بودند. پاسخ مادالین آلبرایت به نامه ایگور ایوانوف این بود. علاوه بر این، کلینتون در ملاقات خود در برونه مصرانه از ولادیمیر پوتین خواهش کرد از تجدیدنظر در مورد توافقات گور - چرنومردین خودداری کند؛ ولی از قرار این خواهش نتیجه‌ای به بار نیاورد. کرملین نشان می‌دهد که در آینده در روابط با کشورهای ثالث از روند اواسط دهه گذشته پیروی نخواهد کرد که همکاری دوجانبه روسیه با برخی کشورها را با موضع ایالات متحده مشروط می‌کرد. سخنان ایگور ایوانوف در کنفرانس مطبوعاتی در ورشو حاکی از این بودند: «روسیه اقدامات خود را براساس رعایت دقیق تعهدات بین‌المللی انجام می‌دهد و این نسبت به ایران نیز صحت دارد و ما در آینده نیز این را ادامه خواهیم داد». او در مورد قرارداد داشتن ایران در فهرست آمریکایی کشورهای حامی تروریسم بین‌المللی گفت: «اگر کسی فهرست خود را می‌نویسد، پس این مسئله صلاحیت خودش است». می‌توان گفت که این فهرست‌ها برای مسکو دیگر هیچ اهمیتی ندارند.

گور افشا کرد، پوتین نبخشید

روسیه به رغم اعتراض آمریکا به ایران اسلحه خواهد فروخت

وقتی که نتیجه مبارزه انتخاباتی آمریکا معلوم نبود و میانجی‌گری آمریکا در خاورمیانه متحمل شکست می‌شود، مسکو به واشنگتن اطلاع می‌دهد که به صادرات اسلحه به ایران ادامه خواهد داد. این امر بدان معنی است که توافق سرتی گور - چرنومردین مورخ سال ۱۹۹۵ باطل می‌شود. مطابق با این مدرک، روسیه موظف بود تا سال ۲۰۰۰ اجرای تمام قراردادهای فروش اسلحه به ایران را به پایان رسانده و قرارداد جدیدی با آن منعقد نکند. در پاسخ، آمریکایی‌ها تهدید مجازات اقتصادی روسیه را پیش کشیدند.

مقامات رسمی روسیه استدلال آن در مورد نقض این توافقات را افشا نمی‌کنند. بنابه اعلامیه نماینده وزارت امور خارجه ایالات متحده، دیپلمات‌های روسیه به این امر اشاره کردند که آلبرت گور معاون رئیس جمهور محتوای موافقتنامه محرمانه امضاشده با ویکتور چرنومردین را علنی ساخته است. کارمند مسئول وزارت امور خارجه روسیه گفت مدارک سرتی تفسیر نمی‌شوند؛ لکن افزود «اما به‌طور اصولی درباره همکاری نظامی - فنی روسیه با ایران باید گفت این همکاری در کار بوده و ادامه خواهد داشت».

وزارت امور خارجه آمریکا در مورد تعیین انواع مجازات روسیه عجله به خرج نمی‌دهد. ولی در کنگره همه احساساتی شده‌اند. بنجامین گیلمان رئیس جمهوری خواه کمیته امور بین‌الملل کنگره درخواست کرد در مورد اعمال مجازات درنگ نشود. به گفته او، بیل کلینتون در مورد فروش اسلحه روسی به ایران سیاست «تأیید ساکت» را پیشه کرده بود و باید به این پایان داده شود. آمریکایی‌ها با ایران حسابهای دیرینه دارند. آنها گروگان گرفته‌شدن کارکنان سفارت ایالات متحده در سال ۱۹۷۹ را به ایران نبخشیده‌اند و معتقدند که سرویس‌های ویژه ایرانی تاکنون از افراد در حال فعالیت علیه منافع آمریکا حمایت می‌کنند.

در مورد فضا باید گفت که آمریکایی‌ها با روسیه در ساخت ایستگاه فضایی بین‌المللی

همکاری می‌کنند و از این توافقات دست برنخواهند داشت. لکن جنبه مهمتر درگیری برای روسیه وجود دارد: آمریکا در صندوق بین‌المللی پول و دیگر سازمانهای مالی بین‌المللی رأی تعیین‌کننده‌ای دارد.

روسیه از مرزی عبور نخواهد کرد که به معنی فروپاشی روابط با ایالات متحده باشد. به احتمال قوی، تصمیم دست برداشتن از توافقات باگور قدمی موفقیت‌آمیز است که هدف از آن در تنگنا قرار دادن شریک مذاکرات و وادار کردن وی به اتخاذ موضع ملایم‌تر نسبت به روسیه می‌باشد.

در هر صورت علناً دولت روسیه اعلام می‌کند به‌رغم اینکه واشنگتن در این مورد چه فکر کند، صادرات اسلحه به ایران ادامه خواهد یافت. در این بین مسکو یادآوری می‌کند که منظور تسلیحاتی هستند که در حیطه عمل قرار داد عدم اشاعه تسلیحات اتمی و فن‌آوری‌های موشکی قرار نمی‌گیرد. یعنی کسی محق نیست روسیه را به نقض موافقتنامه‌های بین‌المللی متهم کند. لکن به دشواری این استدلالات باعث نرم‌شدن واشنگتن شوند. قماری که شروع شده بزرگ است و پیدا کردن راه آشتی دشوار خواهد بود.

میلیاردهای تهران به چه دردی می‌خورند؟

تهران یکی از بامنفعت‌ترین و پولدارترین مشتریان صنایع دفاعی روسیه بوده است. در سال ۱۹۹۱ روسیه با ایران موافقتنامه کاملی در مورد صادرات تسلیحات متعارف امضا نمود و اما در سال ۱۹۹۲ طرفین در مورد همکاری در زمینه اتمی به توافق رسیدند. در نظر بود که صنایع دفاعی روسیه در واقع به‌طور کامل ارتش ایران را مجهز سازند و در واقع صنایع دفاعی و نظامی آن را بنیان گذارند. به ارزیابی کارشناسان، قیمت کل قراردادهای ۷ تا ۹ میلیارد دلار بالغ می‌شود (درآمد همکاری نظامی با ایران تنها در سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴ به ۴ میلیارد دلار بالغ شد). روسیه توانست قبل از وارد کارشدن موافقتنامه سرتی با آمریکا، به ایران میگ - ۲۹ و

بمب‌افکن‌های سوخوی - ۲۴ ضروری برای مسلح کردن دو هنگ هوایی، سه زیردریایی کیلو، چندین سیستم ضد هوایی اس - ۲۰۰ واگذار نماید و در ایران تولید تانک‌های تی - ۷۲ و ماشین‌های زرهی ب. ام. پ - ۲ و موشک‌های ضد تانک «کنکورس» را ترتیب دهد. ولیکن بسیاری از درخواست‌های تهران تا اکنون اجرا نشده‌اند: «یادداشت» مذاکرات در مورد صادرات سیستم‌های ضد هوایی، تسلیحات دریایی و جنگنده‌های هوایی ضربتی را متوقف نمود.

موافقتنامه گور - چرنومردین ترکید

روسیه بازی بزرگی را در آسیا شروع می‌کند

این موافقتنامه به برگ برنده مبارزه انتخاباتی جورج بوش نامزد جمهوری خواه تبدیل شد. او دولت را به این متهم کرد که نسبت به رهبری روسیه به ضرر منافع آمریکا سهل‌انگاری کرده است. معنی موافقتنامه برای روسیه از دست دادن بازار ایرانی بود که خریدار قریب به ۶ درصد کل صادرات اسلحه روسی بود. خسارات وارده تنها در مورد قراردادهای قبلاً امضاشده به صدها میلیون دلار بالغ گردید. اما قیمت پاکت سفارشات آتی ایران ۲ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

انگیزه رسمی امر اعلام نشده است. علت امر تغییرات مثبت در زندگی سیاسی داخلی ایران و همچنین اقدامات ایالات متحده آمریکا بود که محرمانه بودن توافقات گور - چرنومردین را نقض کرد. به گفته نیویورک تایمز، بیل کلینتون رئیس جمهور وقت آمریکا به پوتین در جریان ملاقات برونه اعتراض کرد و اما خانم آلبرایت تهدید کرد علیه روسیه مجازات اقتصادی به کار گرفته خواهد شد. ولی این تصمیم را دولت جدید آمریکا اتخاذ خواهد کرد.

مشهود است که موافقتنامه گور - چرنومردین باطل شده است. انتخاب این لحظه برای آن امر اتفاقی نبوده است. حکومت ایالات متحده تغییر خواهد کرد و از قرار مسکو بر این باور است که رئیس جمهور آینده آمریکا جورج بوش خواهد بود. روابط با وی باید از نو برقرار شوند و نه

بر اساس توافقات نخست‌وزیر اسبق روسیه با رقیب بوش در مبارزه انتخاباتی.

هر چند ممکن است تعجب‌آور به نظر رسد، ولی موضع قطعی‌تر جمهوری خواهان امکان بازی خودی روسیه را می‌دهد. از آنجاکه جمهوری خواهان در امور دفاعی امتیازی نخواهند داد پس تأثیر مجازات‌ها نیز بسیار حداقل خواهد بود. مجازات‌ها به ممنوعیت تماس شرکای آمریکایی با کمپانی‌های روس در حال همکاری با ایران منجر خواهد شد ولی دولت جمهوری خواه بدون اعمال مجازات هم با روسیه همکاری چندانی نخواهد کرد.

بازی در آسیا شروع شده است. نه تنها احیای همکاری نظامی فنی با ایران بلکه دیدار وی‌اچ‌سلاو تروبنیکوف معاون وزارت امور خارجه روسیه از هند حاکی از این است. ظاهراً از همکاری در مبارزه با تروریسم بین‌المللی و خطر شیوع آن از خاک افغانستان سخن رفته است ولی در واقع در منطقه، ائتلاف ژئوپلیتیک روسیه، هند و ایران شکل می‌گیرد که بیشتر نه با تروریسم بین‌المللی بلکه و در وهله اول با نفوذ آمریکا مقابله خواهد کرد و آمریکایی‌ها نخواهند توانست آن را نادیده گیرند.

اعتراف به دوست‌نداشتن

چرنومردین متعهد شد در قبال عدم مجازات روسیه از طرف آمریکا در رابطه با قطعنامه کنگره درباره مجازات متخلفین رژیم عدم اشاعه تسلیحات کشتار جمعی و فن‌آوری‌های موشکی، صادرات اسلحه روسیه به ایران را متوقف سازد. در مورد دورنمای مجازات کنونی روسیه در وزارت امور خارجه روسیه تأکید شد که «روسیه اصولاً هر تلاشی برای صحبت با آن به زبان مجازات‌ها را قبول نمی‌کند» و اصلاً مایل نیست در این مورد با واشنگتن صحبت کند. البته زمان خوبی برای حمله ایرانی انتخاب شد: ایالات متحده تنها اوایل ژانویه سال ۲۰۰۱ و بعد از اتمام شمارش آزا، فرصت خواهد کرد به روسیه «حمله کند».

خاطر نشان کنیم: این یک مورد منحصر به فرد الغای توافقات مرتبط با تسلیحات از طرف

روسیه می‌باشد. این امر می‌تواند به رشد تنش نه‌تنها در روابط روسیه و ایالات متحده و خاورمیانه، بلکه در معیار جهانی منجر شود.

ولی از قرار تمام این «ظرافات» مورد قبول استراتژیست‌های کنونی کرملین می‌باشند. نه تنها منفعت فرضی همکاری با ایران بلکه حفظ قیمت بالای نفت در بازار جهانی به حساب حفظ تنش در خاورمیانه (که یکی از عناصر اساسی باقی‌ماندن قیمت نفت در سطح بالا است)، در نظر می‌باشد. بالاخص اینکه سازمانهای بین‌المللی در مورد بازسازی بدهی روسیه و واگذاری وام جدید به آن جواب سربالا می‌دهند. اما «روس آبارون اکسپورت» صادرکننده جدید اسلحه روسیه که سعی بر بازکردن جای پا به حساب دریافت درآمدهای سریع ارزی دارد اصلاً به ملاحظات مربوط با ثبات بین‌المللی کاری ندارد.

فقط اسرائیل، آمریکا و از قرار اکثریت کشورهای اروپایی با این امر کار دارند. در این صورت ضرر وارده از طرف فقط آمریکا می‌تواند بسیار ملموس باشد. برای مثال همکاری در زمینه فن‌آوری‌های پیشرفته متوقف خواهد شد، به‌تجار به احتمال قوی توصیه خواهد شد از سرمایه‌گذاری در اقتصاد روسیه خودداری کنند، رژیم ویزا تشدید خواهد شد و این هنوز اول کار خواهد بود. مهم این است که لازم خواهد شد بدهی خارجی به‌طور کامل پرداخت گردد (ایالات متحده در مورد نیل به مساعدت صندوق بین‌المللی پول و کلوپ‌های طلبکاران در این مورد مشکلی نخواهد داشت). نتیجه امر ورشکسته اعلام‌کردن روسیه، توقیف حسابهای بانکی و دارایی خارجی و... خواهد بود.

لکن جای تعجب ندارد: تبدیل کشورهایی مانند ایران، عراق، لیبی و دیگر کشورهایی که در غرب «کشورهای مطرود» نامیده می‌شوند به «شرکای راهبردی» روسیه در نظریه امنیت ملی آن درج شده است. سرگئی ایوانف دبیر شورای امنیت روسیه در جریان دیدار از تهران در ماه اکتبر، به رئیس‌جمهور ایران قول داد که «هیچ کشور ثالثی» بر روسیه در مورد روابط با ایران تأثیر

نخواهد گذاشت. طرفین در این مورد هم عقیده بودند که «نظرات آنها در مورد جهان چندقطبی از بسیاری لحاظ با هم مطابقت دارند».

و یک چیز دیگر: جمهوری خواهان بلافاصله اطلاعات در یافتی از مسکو را به کار گرفتند: آلبرت گور باید به خاطر همکاری با کشوری که از «تروریست‌های ایرانی» حمایت می‌کند و خرج کردن پول مالیات پردازان برای حمایت از «رژیم کرملین» جواب بدهد.

انتخابات، ایران و «دلارهای سهل»

زمانی که روس‌ها برای هشدار دادن در این مورد انتخاب کردند بیش از همه آمریکایی‌ها را حیران کردند. «روس‌ها از قرار تصمیم گرفتند قبل از به قدرت رسیدن حکومت جدید از قرارداد نامطلوب رها شوند، به این امید که جورج بوش رئیس حکومت آینده خواهد بود» لکن به عقیده هوگلند، «روسیه مایل به دریافت «دلارهای سهل» ممکن است در ازای این امر تاوان گزافی را بپردازد».

اظهارات آمریکایی در مسکو باعث واکنش شدید ایگور سرگه‌یف وزیر دفاع روسیه شدند. مارشال اتهامات سیاستمداران آمریکایی درباره همکاری نظامی فنی مسکو با تهران را بیجا می‌داند: «روسیه همیشه در مورد اجرای تعهدات بین‌المللی و از جمله در زمینه عدم اشاعه تسلیحات ممنوعه اتمی، بیولوژیک و شیمیایی بسیار با انضباط بوده و هست».

کاخ سفید، ایران را از جمله چند کشوری تلقی می‌کند که «از تروریسم حمایت می‌کنند» و این امر در فهرست مربوطه وزارت امور خارجه آمریکا منعکس شده است. به همین دلیل ایالات متحده سعی دارد در مورد این کشورها نه تنها در زمینه صادرات تسلیحات متعارف بلکه برخی انواع کالاهای غیرنظامی محدودیت‌های مختلف تجاری اعمال کند. یادداشت مذکور گور - چرنومردین مورخ سال ۱۹۹۵ نیز از این دست است.

بنابه برخی داده‌ها، رهبری عالی روسیه، زیر فشار دولت کلینتون به امضای این یادداشت تن داد که به مسکو قول امتیازات بسیار و از جمله دریافت وام صندوق بین‌المللی پول و دیگر نهادهای بین‌المللی را داده بود.

به گزارش رسانه‌های گروهی، علت خروج یک‌جانبه مسکو از تعهدات مذکور این بود که واشنگتن در بحبوحه مبارزه انتخاباتی داده‌های محرمانه موجود در این یادداشت را افشا کرد. روسیه تعهدات و محدودیت‌هایی را که به عهده گرفته بود انجام داده و به‌طور منظم اجرای قراردادها را قبلاً امضا شده با ایران را به پایان می‌رساند و قرارداد جدیدی با آن منعقد نمی‌کرد. در ضمن تمام این صادرات در مطابقت کامل با قراردادهای بین‌المللی مرتبط با عدم اشاعه تسلیحات کشتار جمعی انجام می‌شدند. ولی ایالات متحده تعهدات خود را اجرا نمی‌کرد. آمریکا متعهد شده بود برای جبران خسارات روسیه در بازار ایران، به فروخته شدن تسلیحات روسی در بازار دیگر کشورها و از جمله کشورهای علاقمند عضو ناتو کمک کند. ولی نه تنها چنین چیزی رخ نداد، بلکه واشنگتن سعی دارد هر بار که روسیه شانس برای فروش تسلیحات خود به دست می‌آورد «چوبی لای چرخ آن بگذارد». برای مثال می‌توان به مورد فروش سیستم‌های ضد هوایی «اس ۳۰۰» به قبرس اشاره نمود. واشنگتن حتی در کشورهایی برای پیشبرد اسلحه خود سعی می‌کند که بقبولاند اسلحه روسی بهتر، ارزان‌تر و مطمئن‌تر نمی‌باشد. آخرین نمونه این نوع «رعایت» تعهدات، مناقصه صادرات و سازماندهی تولید ۱۴۵ هلی‌کوپتر ضربتی در ترکیه با مجوز روسیه بود. روسیه در این رابطه به ترکیه هلی‌کوپترهای بی‌نظیر کا-۲۵۰ «اردوگان» و در واقع ساخت هلی‌کوپترسازی در خود این کشور را پیشنهاد کرده بود. ولی آنکارا به اصطلاح «به دلایل سیاسی» به هلی‌کوپتر آمریکایی «کینگ کبرا» اولویت داد.

طبیعی است که روسیه در تمام این موارد متحمل خسارات بسیار بزرگی شد که به میلیاردها دلار بالغ شدند. اما حالا که سیاست خارجی روسیه با در نظر گرفتن منافع ملی و با واقع‌بینی طراحی می‌شود، ایالات متحده نمی‌تواند این را تحمل کند. بالاخص اینکه، بنابه

برخی ارزیابی‌ها، روسیه می‌تواند از همکاری با ایران سالانه ۴ تا ۸ میلیارد دلار درآمد داشته‌باشد.

باید گفته شود که تصمیم در مورد از سر گرفته شدن همکاری نظامی فنی با ایران به موقع اتخاذ شده است زیرا قبلاً برخی صادرکنندگان اسلحه که وبال گردنی مانند خرافات سیاسی و قرار و مدارهای مخفیانه با و اشنگتن نداشتند، سعی داشتند از خلاء بروز کرده در نتیجه خارج شدن روسیه از بازار تسلیحات مشتری معتبری مانند ایران استفاده کنند. از جمله بنابه برخی داده‌ها، فرانسه فعالانه سعی دارد سیستم‌های ضد موشکی «میسترال» و هواپیماهای «میراژ» خود را در ایران به فروش برساند. آلمان بنابه برخی داده‌ها به تهران پیشنهاد کرده زره پوش و زیردریایی از آن خریداری کند. علاوه بر این در مورد معاملات تسلیحاتی چین، کره شمالی و جنوبی و حتی پاکستان در فروش اسلحه با ایران اطلاعاتی حاصل شده است. در مورد تهدید آمریکا برای مجازات ایران باید گفت که روسیه چیزی برای ترسیدن ندارد.

محمتم ترین اقدام ایالات متحده در رابطه با این تهدیدات می‌تواند جلوگیری از واگذاری وام نوبتی به روسیه باشد. ولی مگر روسیه تا این حد به آن نیاز دارد؟ روسیه سال ۲۰۰۰ از روسیه سال ۱۹۹۵ که در آن سال یادداشت مذکور امضا شد خیلی دور شده است. روسیه آن وقت خیلی بیش از امروز به وام‌های خارجی نیاز داشت.

خاتمی مهمانان مسکو را به حضور پذیرفت

هیأت نمایندگان دوما از فراکسیون وحدت (عبدالواحد نیازوف و قربان علی امیروف) از ایران دیدار داشت. هر دو نماینده از جنبش «رفاه» هستند که شاخه اسلامی فراکسیون طرفدار دولت را تشکیل می‌دهد.

علاوه بر برنامه معمولی بازدیدکنندگان مسلمان همچون زیارت اماکن مقدسه، سفر به

مشهد، رئیس جمهور خاتمی نیز مهمانان را به حضور پذیرفت. امری که در رابطه با ویژگی ساختار حکومت در ایران مهمتر است، این امر می‌باشد که آنها از طرف آیت‌ا... خامنه‌ای رهبر روحانی ایران به حضور پذیرفته شدند که به ندرت با نمایندگان رسمی روسیه ملاقات می‌کند. مذاکرات رهبران ایران با نمایندگان پارلمان روسیه بیشتر به ادامه تماسهای نظامی - صنعتی اختصاص داشتند تا همکاری روحانیت مسلمان ایران و روسیه.

یادآور شویم که در سالهای ۹۰ روسیه به مجازاته‌های اقتصادی علیه ایران پیوست. بعد همکاری در زمینه انرژی اتمی متوقف شد: هرچند این همکاری با برنامه توسعه تسلیحات اتمی ایران ارتباط نداشت، ولی روسیه را قانع کردند که یک قدم کافی خواهد بود که ایران از اتم مسالمت‌آمیز به بمب اتمی برسد. بعد از آن موافقتنامه محرمانه گور و چرنومردین امضا شد که صادرات تسلیحات متعارف به ایران را محدود کرد. اگر آمریکایی‌ها در بحبوحه مبارزه انتخاباتی این مدرک را علنی نمی‌کردند، محتوای آن ممکن بود مدت زمان طولانی مخفی بماند. دو سال قبل رئیس انستیتوی «واین‌مخ» سنت پترزبورگ را وادار کردند دانشجویان ایرانی را به این بهانه اخراج کند که کارشناسان نظامی ایرانی بعد از تحصیل در روسیه و دسترسی به اسرار اتمی، مجتمع نظامی - دفاعی ایران را به سطح خطرناک برای آمریکا ارتقاء خواهند داد. در نتیجه روسیه طی ده سال گذشته عملاً تمام برنامه‌های همکاری با همسایه جنوبی خود را به هم زد. در نهایت اعلامیه خروج روسیه از موافقتنامه گور - چرنومردین مانند رعد در آسمان بی‌ابر به غرش درآمد.

عبدالواحد نیازوف هنگام ملاقات با آیت‌ا... خامنه‌ای موضع کنونی روسیه را تشریح کرد: «گسترش آتی همکاری روسیه و ایران را نمی‌توان با نظر کشورهای ثالث مشروط کرد. نظرهایی که به ما تحمیل می‌شوند و از چارچوب حقوق بین‌الملل فراتر می‌روند... برای روسیه به عنوان یک کشور مستقل، نیرومند و غیروابسته توهین‌آمیز است». به رغم تمام احتیاط مشهود در این اعلامیه، رابطه آن با به هم خوردن قرارداد گور و چرنومردین عیان است.

امیروف و نیازوف علاوه بر این امکان از سرگرفته شدن همکاری - فعلاً در زمینه نفت و گاز - را مطرح کردند. همچنین موضوع ایجاد شاهراه‌های ترانزیت مشترک به میان آمد. لازم به ذکر است که نمایندگان کمپانی‌های استخراج‌کننده نفت روسیه («سورگوت نفت و گاز» و «تیومن گاز») نیز در هیأت عضویت داشتند.

موضوع دیگر دیدار عبارت بود از انطباق منافع روسیه و ایران در جهت افغانی. در ایران به نمایندگان روس گوشزد گردید که هر چند هر دو کشور از ائتلاف شمالی حمایت می‌کنند، ولی ایران برخلاف روسیه نه تنها با مسعود محاصره شده در دره پنجشیر، بلکه با طرف برتر کنونی یعنی طالبان نیز گفتگو می‌کند. این امر شانس عبور به مرحله انعقاد قرارداد صلح با در نظر گرفتن منافع تمام نیروهای بزرگ سیاسی افغانستان را به وجود می‌آورد.

فعلاً زود است درباره ابعاد بحران جدید در مناسبات روسی - آمریکایی قضاوت کنیم ولی این بحران می‌تواند در دو جهت توسعه یابد: رویارویی افزایش خواهد یافت یا مدل جدید مناسبات با ایالات متحده به وجود خواهد آمد که در آن منافع روسیه هم در نظر گرفته خواهد شد. گنّه این بحران این است که روسیه برای اولین بار طی سالهای اصلاحات سعی کرده سیاست خارجی مستقل از آمریکا را دنبال کند که این امر باعث ناراحتی واشنگتن شد.

مشکلات در زمان گورباچف بروز کردند ولی در زمان ریاست جمهوری بوریس یلتسین که با وجود شعارهای مستقل بودن خط سیاست خارجی روسیه کاملاً در راستای سیاست غربی حرکت می‌کرد، قد علم کردند. روسیه می‌خواست شریک غرب و حتی بخشی از غرب شود و به این منظور بایستی روسیه منافع ملی خود را فراموش می‌کرد. طبیعتاً، روسیه انتظار داشت که در جواب به گذشت‌ها و نشانه‌های متعدد حسن نیت از غرب هم جواب مناسبی دریافت کند ولی واقعیت برخلاف انتظارات روسیه شد.

روسیه نتوانسته شریک برابر حقوق غرب شود. گرایش یکجانبه و غرب‌گرایانه روسیه به دیگران اجازه می‌داد در سیاست داخلی روسیه هم نفوذ کنند. قبلاً روسیه را به خاطر فروپاشی،

بی‌نظمی و نبودن اراده سیاسی محکوم می‌کردند ولی اکنون از روسیه به خاطر شیوه‌های بیش از حد شدید برقراری نظم و نشانه‌های خودکامگی انتقاد می‌کنند. لیکن نتیجه یکی است و آن نبودن سرمایه‌گذاری‌های خارجی است که روسیه وعده آن را دریافت کرده بود. غرب از هیچ‌کار ولادیمیر پوتین حمایت نکرده است. مبارزه با راهزنان در چین باعث اتهامات به نقض حقوق بشر شد؛ تحکیم عمود قدرت زمینه‌ساز اتهامات به نقض حقوق بشر و بازگشت به مدل حکومتی شوروی گردید؛ تلاش برای به هوش آوردن برخی رسانه‌های گروهی بخصوص ضدروسی به اتهامات به پایمالی آزادی بیان انجامید.

ولی اقتصاد، بهترین نمونه این سیاست است. برای اولین بار طی ده سال اخیر اقتصاد روسیه رو به رشد نهاده است. وقتی که اولین نشانه‌های خروج روسیه از بن‌بست اقتصادی پدید آمد حمایت از سوی طلبکاران و سازمانهای مالی بین‌المللی بویژه لازم است. صندوق بین‌المللی پول و کشورهای کلپ پاریس به بهانه وضعیت مناسب بازار جهانی از بازسازی بدهی‌های روسیه خودداری می‌کنند. رهبران جدید روسیه باید در برابر این وضع چه واکنشی از خود نشان دهند؟ روسیه در زمان خود تحت فشار آمریکا نیروهای خود را به سرعت از کشورهای بالتیک بیرون کشید که این کار با منافع روسیه مغایرت داشت. اکنون این کشورها را که حقوق جمعیت روسی‌زبان را پایمال می‌کنند و حقوق بشر را نقض می‌نمایند، به همکاری با اتحادیه اروپایی و ناتو جلب می‌کنند. با وجود انحلال سازمان پیمان ورشو، پیمان ناتو نه تنها منحل نشد بلکه توسعه یافت و به مرزهای روسیه نزدیک گردید. روسیه در حل و فصل مسئله بالکان با غرب کنار آمد. روسیه در کرائینای صربی، بونی و هرزگوین و در کوزوو از سناریوی غربی پیروی کرد. ولی در نتیجه صرب‌ها را جنایتکار جنگی اعلام کردند و با نادیده گرفتن اعتراضات روسیه آنها را بمباران کردند و حالا نوبت بلوروسی، متحد دیگر روسیه رسیده است. البته، اینجا کار به بمباران‌ها نخواهد کشید ولی اگر روسیه مانند سابق بی‌فعالیتی از خود نشان دهد، انزوای بین‌المللی و تأمین مالی اپوزیسیون کار خود را خواهد کرد.

غرب ضمن تضعیف سیاسی روسیه، کشور را از بازار جنگ‌افزار بیرون می‌کند. در سال ۱۹۹۳ روسیه تحت فشار آمریکا از قرارداد دو میلیارد دلاری فروش موتورهای موشکی به هند امتناع کرد. قبرس به خاطر فشار آمریکا از خرید موشک‌های روسی خودداری کرد، ترکیه از خرید هلی‌کوپترهای روسی دست کشید و ونزوئلا و مالزی جنگنده‌های روسیه را نخریدند. ولی خود ایالات متحده از کسی اجازه نمی‌خواهد و با هر کسی که بخواهد تجارت می‌کند. آمریکایی‌ها با کره شمالی، دشمن قسم‌خورده خود در باره همکاری در زمینه انرژی هسته‌ای در عوض امتناع از برنامه‌های موشکی و هسته‌ای این کشور به توافق رسیدند. طبیعتاً منافع روسیه در این زمینه در نظر گرفته نشد.

مدتها پیش معلوم شد که سیاست گذشته‌ها و نادیده گرفتن منافع ملی خود نتیجه مطلوبی نمی‌دهد ولی تا زمان اخیر کار به بیانیه‌ها و ژست‌های نمایشی ختم می‌شد: پریماکوف هواپیمای خود را بر فراز اقیانوس اطلس چرخاند، یلتسین در استانبول مشت روی زمین کوبید ولی روسیه مطیعانه در راستای سیاست غربی می‌رفت. اکنون وضع تغییر کرده است. فعالیت روسیه در زمینه سیاست خارجی طی شش ماه اخیر نشان می‌دهد که ایالات متحده بیش از این تنها اولویت سیاست کشورمان نیست. پوتین ترجیح می‌دهد به نفع روسیه و متحدانش عمل کند.

معلوم است که این وضع موجب ناراحتی غرب و مخالفت برخی محافل سیاسی روسیه می‌شود که نگران عواقب رویارویی هستند. مخالفان استقلال روسیه اکثراً می‌گویند: «این رویارویی برای ماگران تمام خواهد شد». انتقاد اصلی از روسیه این است که روسیه نظریه جهان تک‌قطبی را قبول نکرده است و اینکه نقشی که روسیه سعی می‌کند در عرصه سیاسی ایفا کند، جوابگوی امکانات سیاسی و اقتصادی کنونی روسیه نیست. به روسیه توصیه می‌کنند تصمیم بگیرد چه چیزی برای آن مهمتر است: منافع بلندمدت در غرب با امکان فرضی دریافت سرمایه‌گذاری‌ها و فن‌آوری‌ها یا حمایت مقطعی از متحدان حاشیه‌نشین خود در جهان سوم که

از اتحاد شوروی به ارث رسیده‌اند. در حقیقت امر، این انتخاب بین مشارکت ژئواستراتژیکی با غرب و همکاری منطقه‌ای با کشورهای مثل ایران است.

مخالفان سیاست خارجی جدید توضیح می‌دهند که روسیه راهی جز گذشت در مقابل آمریکا نداشت. روسیه ضعیف بود. اکنون هم تا آن حد قوی نشده است که با هرگونه گذشته‌های بعدی، با آمریکا مخالفت کند. به عبارت دیگر، برای گفتگو در سطح برابر منابعی لازم است که روسیه ندارد. به همین دلیل باید یادگرفت با امکانات و منابع کم از منافع خود دفاع کرد. به روسیه می‌گویند: از فرانسوی‌ها ظرافت عمل را یاد بگیرید زیرا آنها از موضع خود دفاع می‌کنند ولی از جنجال‌های شدید اجتناب می‌کنند.

به عقیده طرفداران این برخورد، رویارویی با ایالات متحده می‌تواند چه نتیجه‌ای داشته باشد؟ برای مثال، اکنون آمریکایی‌ها می‌توانند به خود حق بدهند قرارداد دفاع ضد موشکی را نقض کنند. یا حتی بدتر از آن عمل کنند و تحریم روسیه را اعلام کنند، بدهی‌ها را نبخشند و وام ندهند (که اکنون تقریباً همین کار را می‌کنند). آنها می‌توانند صدور مواد خوراکی، دارو و وسایل کامپیوتری به روسیه را محدود کنند. غرب در جواب به سیاست مستقل نسبت به ایران می‌تواند استقلال چین را به رسمیت بشناسد.

واقعاً، خطر تحریم وجود دارد ولی روسیه نه ده سال پیش بلکه الان در شرایطی قرار گرفته است که مجالی برای انتخاب ندارد. روسیه باید از منافع ملی خود دفاع کند و سیاست خارجی مستقل را دنبال کند یا با ادامه انحطاط خود غربی‌ها را خوشحال نماید. بعید است که بهای استقلال بالاتر از قیمت «مشارکت» خواهد بود که روسیه تا به حال به غرب پرداخته است. و اما مسئله روابط با ایران، مسئله سود آنی اقتصادی نیست. این مسئله ژئواستراتژیکی است. مسئله فقط این نیست که ایران همسایه جنوبی روسیه است و روسیه در رابطه با احتمال تجاوز طالبان باید به فکر امنیت مرزهای جنوبی خود باشد. اگر روسیه واقعاً درباره مدل چندقطبی جهان معاصر (برخلاف مدل تک‌قطبی آمریکا) فکر می‌کند باید بداند که اکنون در

قسمت مرکزی آسیای جنوبی مرکز جدید قدرت تشکیل می‌شود که ائتلاف روسیه، هند، ایران و برخی کشورهای خاورمیانه می‌تواند اساس آن را تشکیل دهد. ظاهراً تلاش‌های روسیه معطوف به تشکیل این ائتلاف است که همین امر باعث ناراحتی ویژه غرب می‌شود. همکاری با ایران، یکی از اولویت‌های ولادیمیر پوتین است که یک روز قبل از مراسم تحلیف خود فرمانی درباره فروش مواد هسته‌ای به ایران را امضا کرد. جالب توجه است که امتناع از موراتوریم بر صدور اسلحه متعارف به این کشور با ایجاد سازمان «روس اوبورن اکسپورت» مصادف شد.

به این ترتیب، مواضع محکم رهبران روسیه در زمینه روابط با ایران جوابگوی منافع ملی روسیه است، و اما عواقب رویارویی احتمالی با ایالات متحده فاجعه‌بار نخواهد بود چرا که روسیه بدون رویارویی هم در همه زمینه‌ها فشار آمریکایی را احساس می‌کند. این فشار باز هم بیشتر خواهد شد چرا که هر فعالیت روسیه در زمینه سیاست خارجی موجب بروز تضادها و اختلاف منافع خواهد شد. اکنون همه شاهد پیدایش خط جدید سیاست خارجی روسیه هستند. زمان نشان خواهد داد این سیاست موجب رویارویی با ایالات متحده یا زمینه‌ساز ایجاد مدل جدید مناسبات خواهد شد. این امر تا اندازه زیادی به خود ایالات متحده وابسته است چرا که تمایل لجام‌گسیخته این کشور به سلطه جهانی، علت اصلی بحران‌های جهانی می‌باشد.

سفارت جمهوری اسلامی ایران - مسکو

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی